

«مصرف اینترنت و اثر آن در روابط همسران»

محمدحسین پناهی *

منصوره تبریزی **

تاریخ دریافت: ۹۵/۴/۲۷

تاریخ پذیرش: ۹۵/۷/۱۵

چکیده

در دوران معاصر اینترنت نقش قابل ملاحظه‌ای در زندگی و روابط انسان‌ها یافته است. بخشی از این تأثیرات به قلمروی زندگی زناشویی معطوف است. در این پژوهش کوشیده‌ایم مهم‌ترین عرصه‌ها و ابعاد تأثیرگذاری اینترنت بر روابط همسران در تحقیقات پیشین را مورد واکاوی قرار دهیم. حدود چهل پژوهش که از ۱۹۹۵ تاکنون به موضوع اینترنت و روابط همسران مرتبط بودند شناسایی شده و با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی، و با اتکا به منطق استقراء، بررسی شدند. در نتیجه، دو عرصه مهم تأثیر اینترنت بر روابط همسران به دست آمد که عبارت‌اند از: تأثیر در مناسبات زندگی روزمره، و در مرزها و حدود زناشویی. جمع‌بندی تحقیقات مورد بررسی بیشتر مؤید تأثیر منفی اینترنت بر این دو قلمرو در جوامع غربی است، هرچند پیچیدگی‌هایی

mhpanahi@yahoo.com

mansooretabrizi@gmail.com

* استاد جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی.

** دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی.

دارد. ارتباط اینترنت با زندگی روزمره همسران به میزان، زمان و مکان مصرف، نوع استفاده و شرایط و برهه‌ای بستگی دارد که افراد تجربه می‌کنند. برخی امکانات اینترنتی نظیر محتوای جنسی و امکان برقراری روابط مجازی نیز بر مرزهای زناشویی بیشتر تأثیر منفی داشته است، هرچند مؤلفه‌هایی چون دلایل مصرف، جنسیت، زمینه‌های روانی و خانوادگی، و روابط عاطفی یا جنسی برقرار شده، حالات گوناگونی به آن می‌دهند.

واژه‌های کلیدی: اینترنت، روابط همسران، اینترنت و روابط زناشویی،

زندگی روزمره، مرزهای زناشویی

مقدمه و طرح موضوع

طی دهه‌های گذشته ابزارهای ارتباطی گوناگون توانسته‌اند جایگاه خود را در بدنه زندگی فردی و خانوادگی ما باز کنند. خانواده معاصر خانواده‌ای رسانه‌ای است، خانواده‌ای که رسانه عضوی از آن است. امروزه در لحظه‌هایی که با دیگرانیم و آنگاه که در خلوت به سر می‌بریم، ابزارهای ارتباطی به مثابه یک یار جدا نشدنی جایگاه خود را در کنارمان تثبیت نموده‌اند. این همزیستی انسان و رسانه چنان در زندگی انسان معاصر بدیهی گشته است که دیگر تصور نوعی از زندگی خارج از قلمروی دخالت آن مشکل و ناممکن می‌نماید. در این ساحت نوپا، خانواده و اعضای آن در قیاس با سالیان گذشته دستخوش تجربیات متفاوتی می‌شوند، تجربیاتی که رسانه با حضور جسمانی‌اش، با محتوایش و با ساخت جدیدی که به زندگی می‌بخشد، برایشان به ارمغان آورده است.

اینترنت از جمله این ابزارهاست که به تدریج جای خود را در زندگی اعضای جامعه باز کرده و امروزه به یکی از محبوب‌ترین ابزارهای اطلاعاتی و ارتباطی بدل گشته است. ویژگی‌های منحصر به فرد اینترنت این قدرت را بدان بخشیده که تا اندازه زیادی هم در نقش سایر رسانه‌های موجود ایفای نقش کند و هم امکانات جدیدی را در اختیار کاربران قرار دهد، تا جایی که تأثیر شگرف آن بر زندگی انسان روز به روز

آشکارتر می‌گردد. همچنین، قدرت اینترنت در برقراری تعاملات انسانی شیوه‌های مألوف و دیرپایی را که طی دهه‌های گذشته به کندی تغییر می‌کرد به یک‌باره دگرگون ساخته و کلیه عرصه‌های ارتباط انسانی را با فرصت‌ها و چالش‌های بحث‌انگیزی مواجه کرده است. این حضور همه‌جانبه و امکانات متفاوت منبث از آن، توانسته است مناسبات معمول زیستن در خانواده و اجزای مختلف این گروه اجتماعی را متأثر سازد؛ که روابط همسران بخشی از این مقوله است.

اهمیت رابطه زناشویی و تأثیر آن بر شخص، فرزندان و کل فضای خانواده محل تردید نیست. این پژوهش نیز بر اساس همین اهمیت، بر تعامل همسران متمرکز گشته است. کیفیت و حالات روابط زن و شوهر، که بنیان‌های خانواده معمول بر پایه آن بنا شده است، سرشت و سرنوشت سایر اعضای خانواده را متأثر ساخته و اثرات آن در طول نسل‌ها تداوم می‌یابد. با در نظر داشتن این مهم، پرسش از رابطه همسران و اینترنت، به مثابه بیگانه‌ای که با سهولت در حریم ارتباطی ایشان جاگیر و پذیرفتنی شده، پرسش مهمی است. ردپای تمام خصایصی که این رسانه نوپا به روابط انسانی بخشیده، در فضای زناشویی قابل پی‌گیری است. در میان همسرانی که از کاربران فعال اینترنت هستند، تأثیر در چیدمان مؤلفه‌های زمانی و مکانی، و ذهنی و عینی ارتباطی، و در مرزبندی‌های قلمروی زناشویی غیر قابل اغماض است. با توجه به توسعه اینترنت در جوامع غربی کلیه تغییرات احتمالی مذکور تا کنون فرصت این را داشته‌اند که موضوع تحقیقات گوناگون قرار گیرند. بر این مبنا تحقیق حاضر در نظر دارد با مرور تحقیقات انجام شده در غرب به نوعی جمع‌بندی از این مطالعات دست یابد، و با شناسایی مهم‌ترین قلمروهای تحقیقاتی مطالعه رابطه همسران و اینترنت در غرب، هم راه را برای انجام چنین مطالعاتی در ایران هموار سازد، و هم احتمال آثار مشابه این پدیده در حال گسترش در کشور را در روابط همسران مطرح نماید. لذا این پژوهش تلاش می‌کند به این پرسش پاسخ بگوید که:

بر پایه یافته‌های تحقیقاتی موجود، حضور اینترنت در زندگی خانوادگی چگونه و از چه جنبه‌هایی می‌تواند رابطه همسران را متأثر سازد؟

ملاحظات نظری

مطالعه رسانه قدمتی همپای شکل‌گیری رسانه‌های جمعی مدرن دارد. به خصوص با ظهور رسانه‌های دیداری و شنیداری توجه‌های بیش‌تری به مطالعات رسانه‌ها و اثرات آن‌ها معطوف شد. امروزه روشن است که رسانه‌های جمعی نحوه نگرش و بینش مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهند. آن‌ها با حضور خود تعاملات انسان‌ها و قواعد حاکم بر آن را متأثر می‌سازند. رسانه‌ها انواع گوناگون اطلاعات را که افراد به گونه دیگری کسب نخواهند کرد انتقال می‌دهند و ما را در ارتباط نزدیک با تجاری قرار می‌دهند که به گونه دیگری نمی‌توانستیم آگاهی چندانی از آن‌ها داشته باشیم (گیدنز، ۱۳۷۷: ۸۷). جایگاه مهم و تأثیرگذار رسانه موجب گشته است که مطالعات مختلفی به این عرصه معطوف گشته و بینش‌های گوناگونی برای فهم جایگاه و اثرات رسانه پروراندند. مطالعات انجام گرفته در زمینه اینترنت با قلمروی مطالعاتی و نظری پیش از خود مشارکت‌هایی داشته و گاه متناسب با ویژگی‌های خاص رسانه اینترنت چیزی بر این قلمرو افزوده است.

در رابطه با زمینه‌های نظری که این پژوهش استقرایی و مروری با آگاهی از آن به بررسی خود اقدام کرده است، دو رویکرد کلی قابل تمایزند. دسته اول دیدگاه‌های نظری هستند که رابطه مخاطب با پیام‌های رسانه‌ای را موضوع بحث خود قرار داده‌اند. این رویکرد نظری از یک سو شامل نگاه‌های مسلط و ابتدایی‌تر در مطالعات رسانه می‌شود که با در نظر گرفتن قدرت اثرگذاری عمیق برای رسانه و برای شناخت اثرات رسانه به تحلیل محتوای پیام‌های رسانه‌ای می‌پرداخت. سویه دیگر آن، دیدگاه‌های مخاطب محور قرار دارند؛ از این منظر پیام‌های رسانه‌ای از سوی کلیه مخاطبان به یک

شکل دریافت نمی‌شوند، بلکه در انتخاب رسانه، نوع استفاده از آن و دریافت‌هایی که از آن صورت می‌گیرند، زمینه‌های فرهنگی - اجتماعی مخاطب به عنوان نوعی واسطه عمل کرده و آن را تغییر می‌دهند. بنابراین، مرکز تحقیق درباره ارتباط جمعی خارج از رسانه واقع شده است و موضوع تحلیل مخاطبانی هستند که می‌توانند پیام رسانه را متناسب با شرایط متغیر زمینه‌ای به طرق متفاوت بازخوانده یا رمزگشایی کنند (مک‌کوایل، ۱۳۸۵: ۲۸ وهال، ۱۳۸۲: ۳۴۰). کلیه رهیافت‌های قلمروی مذکور در عین تفاوت‌های عملی و معرفتی، به نحوی با پیام‌های خاص ارائه شده از سوی رسانه‌های گوناگون و نحوه تعامل مخاطب با این پیام‌ها سروکار دارند. به عبارت دیگر این دیدگاه‌ها چه آن‌جا که با پیام‌های ارائه شده در رسانه سروکار پیدا می‌کنند و چه آن‌جا که به نحوه دریافت و پردازش یک برنامه خاص از سوی مخاطبان می‌پردازند بیش‌تر به تعامل سازنده و گیرنده از خلال تولیدات رسانه‌ای نظر دارند.

دسته دوم دیدگاه‌های نظری، معطوف به واقعیت تجربی است که با حضور رسانه‌ها وارد زندگی مخاطب می‌شود. در دوران معاصر که در کلیه مناطق جهان انواع گوناگونی از رسانه در سطوح گوناگون زندگی اقشار مختلف راه گشوده است پیوند خانواده با ابزار رسانه به پرسشی مهم بدل گشته و نحوه قرارگیری این ابزار در بافت پیچیده زندگی روزمره خانواده به عرصه‌ای قابل مطالعه تبدیل گشته است. در رابطه با اینترنت، اتخاذ این جهت‌گیری نظری موجب گشته است قلمروهای موضوعی چون تأثیر ابزار اینترنت بر تمایز فضاهای خصوصی و عمومی، تغییر الگوهای ارتباطات خانوادگی و اجتماعی، مدیریت مصرف رسانه، و تغییر قلمروی فعالیت فراغتی و موضوعاتی چون این به حوزه مطالعه اینترنت وارد گردند.

این دو رویکرد، مهم‌ترین منظرگاه‌هایی بوده‌اند که پژوهش حاضر با آگاهی از آن‌ها به مطالعه تحقیقات پیشینی اقدام کرده است. قلمروهای تحقیقی که این پژوهش مروری در نهایت به آن‌ها دست یافته نیز از این دوگانه دور نیست، بدین معنا که تحقیقات متعدد صورت گرفته در زمینه رابطه اینترنت و همسران، عمدتاً در یکی از این

دو قلمرو می‌گنجد. دو محور تحقیقاتی که در تحلیل‌های این پژوهش از آن‌ها بهره‌برداری شده و در ادامه از آن سخن خواهیم گفت - یعنی روابط متقابل همسران در زندگی روزمره، و مرزهای زناشویی - نیز بر همین دو وجه تأثیرات ابزاری و تأثیرات محتوایی ناظر هستند.

روش پژوهش

مقاله حاضر در پی بررسی تأثیر مصرف اینترنت بر رابطه همسران با تحلیل محتوای تحقیقات پیشین غربی است. با در نظر گرفتن مطالعات انجام شده، جمعیت مورد بررسی این تحقیق مجموعه مقالاتی هستند که به نحوی به رابطه مذکور مرتبط شده و در حوزه نشر انگلیسی زبان موجودند. دلیل این‌که آثار فارسی زبان از دایره این پژوهش بیرون گذاشته شده‌اند شمار اندک تحقیقات علمی مرتبط با این موضوع است.

ممکن است این سؤال مطرح شود که مرور تحقیقات غربی در این زمینه چه کمکی می‌تواند به جامعه علمی ایران اسلامی بنماید؟ بدون تأیید رویکرد پوزیتیویستی به علوم اجتماعی، به نظر می‌رسد این مقاله مروری بتواند دو مشارکت مهم به جامعه علمی کشور داشته باشد: اول این‌که انواع مختلف مطالعاتی را که با روش‌های تحقیق مختلف در این حوزه انجام گرفته‌اند معرفی کند، تا راه را برای انجام مطالعات مشابه در کشوری که استفاده از اینترنت در آن به سرعت در حال گسترش است، هموار کند. دوم این‌که آثار غالباً منفی مصرف نامناسب اینترنت در روابط همسران در کشورهای غربی را بشناساند، تا اندیشمندان حوزه علوم اجتماعی و مصرف‌کنندگان اینترنت توجه لازم را به این آثار داشته باشند. احتمال دارد اگر مصرف نامناسب اینترنت در زمینه‌های مورد بررسی در کشورهای غربی دارای آثار منفی قابل توجهی است، مصرف نامناسب آن در یک جامعه و فرهنگ مذهبی آثار منفی به مراتب بیشتر و مخرب‌تری در روابط همسران داشته باشد.

در راستای انجام این امر، پژوهش پیش‌رو به تحقیقاتی که از سال ۱۹۹۵ (تقریباً زمانی که تحقیقات این قلمرو رونق گرفتند) تا کنون صورت گرفته، و به نحوی با رابطه اینترنت و همسران مرتبط بوده‌اند، مراجعه داشته است. با اتکا به شیوه نمونه‌گیری هدفمند، در میان این قلمروی گسترده تحقیقاتی، حدود چهار پژوهش شناسایی شده‌اند که بیش‌ترین پاسخگویی به موضوع تحقیق را داشته‌اند. دلیل انتخاب این آثار از میان دامنه گسترده تحقیقات مرتبط، داشتن اصالت علمی بالاتر، تکراری نبودن اثر در مقایسه با آثار پیشین، و داشتن بیش‌ترین رجوع از سوی تألیفات دیگر است.

در راستای انجام هدف پژوهش، یعنی شناسایی مهم‌ترین عرصه‌های مورد مطالعه تحقیقات پیرامون اینترنت و رابطه همسران، محتوای مقالات مذکور مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. این کار با اتکا بر روش تحلیل محتوای کیفی و بر پایه منطق استقراء صورت گرفته است که در آن متون مورد مطالعه کدگذاری شده و با دسته‌بندی کدها، مقولات فرعی و اصلی استخراج گشته‌اند. بر این اساس در این پژوهش، با اتکا بر مرور، مقایسه و تلخیص متون مورد مطالعه و مضامین اصلی آن‌ها، در نهایت دو مقوله یا دو محور اصلی تحقیقاتی شناسایی و متمایز گشته‌اند. این محورها را می‌توان در قالب دو پرسش پژوهشی صورت‌بندی کرد: نخست، این که حضور ابزار اینترنت در زندگی روزمره، چه تأثیری بر تنظیمات زندگی همسران دارد؟ و دوم، این که آیا محتواها و امکانات برآمده از اینترنت بر مرزهای بیرونی این گروه کوچک انسانی تأثیرگذارند؟

این دو مقوله و اطلاعات مرتبط با آن، بدنه اصلی این تحقیق را شکل داده‌اند. اجزای فرعی این دو مقوله در قالب سؤالاتی که تحقیقات مرور شده در این دو زمینه بدان‌ها پاسخگو بوده‌اند، در ابتدای هر بخش مطرح شده و پاسخ به آن‌ها در ذیل عناوین جزئی متن ارائه شده است. در بخش اول که معطوف به حضور ابزار اینترنت در زندگی خانوادگی است، پرسش‌ها ناظر به تأثیر ابزار اینترنت بر تعاملات و فعالیت‌های مشترک زندگی روزمره همسران، شرایط و زمینه‌های تغییر در فضای تعامل همسران، کاربرد اینترنت به عنوان ابزاری برای تقویت پیوندهای زناشویی و نقش

برهه‌های مختلف زندگی در تأثیر اینترنت بر تعاملات همسران است. در بخش دوم که به تأثیر محتوای اینترنتی بر مرزهای زناشویی می‌پردازد، دلایل و انگیزه‌های روی آوردن فرد (زن یا شوهر) به مصرف محتوای جنسی و برقراری روابط مجازی، تأثیر زمینه‌های خانوادگی بر روی آوردن یکی از همسران به این نوع از مصرف، ارتباط استفاده از محتوای جنسی مجازی و روابط مجازی فرازناشویی بر تعاملات فرازناشویی در دنیای واقعی، تفاوت تجربه زنان و مردان، و اثرات استفاده مشترک و انفرادی همسران در زمینه‌های مذکور؛ مهم‌ترین زیرمقوله‌های پرسش اصلی دوم هستند که سؤال‌های فرعی این پژوهش پیرامون آن‌ها تنظیم شده‌اند.

این دست پرسش‌ها و بخش‌هایی که متناسب با آن‌ها تعریف شده‌اند، در واقع معرف مهم‌ترین موضوعاتی هستند که در ذیل موضوع رابطه همسران و اینترنت در تحقیقات مورد مطالعه بدان‌ها پرداخته شده، و همچنین اطلاعاتی که در این زمینه‌ها از تحقیقات مورد بررسی به دست آمده است.

اینترنت و روابط متقابل همسران در زندگی روزمره

تمام گروه‌ها و به خصوص خانواده بر پایه پیوند میان اعضایشان سامان می‌یابند. سلامت خانواده و فضای زناشویی بر توانایی افراد برای برقراری روابط مؤثر مبتنی است. در واقع آنچه خانواده را از صرف جمع چند عضو، متفاوت می‌سازد وجود روابط متقابل سازنده در میان اعضا است. پیوستگی و ارتباط متقابل سبب انسجام و یکپارچگی خانواده می‌شود، به نحوی که همه افراد احساس می‌کنند که جزئی از یک کل هستند (مک‌گرا، ۱۳۸۹: ۵۹). این اصل در مورد فضای زناشویی نیز صادق است. یک رابطه سالم زناشویی رابطه‌ای است که هم پیوندهای فکری، احساسی و جسمانی میان این‌دو را مستحکم ساخته و هم آزادی‌های ضروری و انسانی آنان را محترم بشمارد. از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های رابطه سالم این است که بتواند میان خصائص

وابستگی و استقلال پیوند برقرار کند. اگر زوجی بتوانند این ویژگی‌های ظاهراً متفاوت را در خود پیوراند و ارتباط مؤثری میان خود برقرار کنند، قابلیت این را خواهند داشت که ویژگی‌های مشابه را در نسل بعدی نیز ایجاد کنند.

بر این اساس مصرف اینترنت با ویژگی‌های خاصی که داراست همواره با پرسش‌هایی پیرامون اثراتش بر پیوندهای اساسی اعضای خانواده و به خصوص همسران در زندگی روزمره مواجه بوده است. این که آیا استفاده از ابزار اینترنت (جدا از محتوای مورد مصرف)، می‌تواند تعاملات و فعالیت‌های مشترک زندگی روزمره همسران را متأثر سازد؟ چنین تغییری در فضای تعامل (در صورت وجود)، متأثر از چه شرایط و زمینه‌هایی است؟ آیا اینترنت می‌تواند به عنوان ابزاری برای تقویت پیوندهای زناشویی مورد استفاده قرار بگیرد؟ آیا تأثیر اینترنت بر تعاملات همسران در همه برهه‌های زندگی به یک شکل صورت می‌پذیرد؟ و پرسش‌هایی از این دست.

آنچه در ادامه این بخش می‌آید تلاشی برای پاسخ به این پرسش‌ها از خلال تحقیقات انجام شده است. یکی از مبانی طرح چنین پرسش‌هایی تفاوت ماهوی ابزارهای دسترسی به اینترنت با سایر رسانه‌های خانگی نظیر تلویزیون است. کامپیوتر و سایر ابزارهای اتصال به اینترنت عمدتاً ابزارهایی انفرادی هستند که معمولاً برای استفاده یک نفر در نظر گرفته شده است (Jennings, 2004: 593). این ابزارها، ابزارهایی فردی محسوب شده که تنها در زمان‌های محدودی می‌تواند به شکل مشترک مورد استفاده قرار گیرد، مثل زمانی که فردی در حال آموزش نکته‌ای به فرد دیگر است، یا زمان انجام فعالیتی نظیر یک بازی دو نفره (Morrison & Kraut, 2001: 154). این تفاوت ابزاری و مصادیق رفتاری همبسته با آن، تحقیقاتی را در رابطه با اینترنت رقم زده‌اند که بر پرسش از تأثیر آن بر تعاملات خانوادگی با در نظر گرفتن احتمال منزوی ساختن اعضا متمرکز گردیده است. علاوه بر این، پژوهش‌های بسیاری با در نظر گرفتن تأثیر تکنولوژی کامپیوتر و اینترنت بر تنظیمات زندگی روزمره، و با تأکید بر اثرات زمان سپری شده با اینترنت، فعالیت صورت گرفته، مکان استفاده،

استفاده به تنهایی و یا در گروه، و گفت‌وگو پیرامون مطالب استفاده شده و مؤلفه‌هایی از این دست به نحوی مقوله روابط متقابل اعضای خانواده را مورد مطالعه قرار داده‌اند.

۱) استفاده از اینترنت و میزان تعاملات همسران

ساده‌ترین پیش‌فرض تأثیر اینترنت در روابط همسران احتمال جایگزینی این روابط با استفاده از اینترنت است. بر اساس این پیش‌فرض زمان گذرانده شده با اینترنت تعامل با همسران را کاهش می‌دهد. در کیمبرلی و دیگران (۲۰۰۵) روی ۱۰۵۴ مددکار که برای شناسایی بیش‌ترین مشکلات پیش‌آمده برای مراجعه‌کنندگان در زمینه اینترنت صورت گرفت، فراوان‌ترین مسأله مددجویان استفاده بیش از حد اینترنت از سوی فرد یا یکی از اعضای خانواده بوده، که ۶۱ درصد موارد مراجعه را به خود اختصاص داده است. در این میان مردان (۶۸ درصد) و زنان (۳۲ درصد) موارد را تشکیل داده‌اند. در تحقیق موریسون و کروگان زانی که همسرانشان کاربر فعال اینترنت بودند، خود را "بیوه کامپیوتری" خوانده بودند، بدین معنا که مشغول بودن دائمی همسر به فعالیت‌های اینترنتی ماهیت حضور وی به عنوان همسر را تحت‌الشعاع قرار داده است (Morrison & Kraunt, 2001: 156). کاهش تعامل با همسر به واسطه پرداختن به فعالیت‌های آنلاین، همچنین می‌تواند با احساسات منفی همسر همراه شده و تضادهای فیما بین آن‌ها را گسترش دهد. کوین و همکاران با تمرکز روی ۱۳۳ زوج درگیر در بازی‌های اینترنتی آنلاین، دریافتند میزان مصرف اینترنتی مذکور با تعارض بر سر زمان اتلاف شده و در پی آن با افزایش پرخاشگری‌های جسمی و ارتباطی میان زوجین همراه است (Coyne et al, 2012: 391).

سویه دیگر این رابطه نیز صادق است. بدین معنا روابط ضعیف بین فردی همسران می‌تواند استفاده افراطی از اینترنت را موجب شود. افراد ممکن برای فرار از یک رابطه نامطلوب به مصرف اینترنت پناه ببرند. در تحقیقی که در سال ۲۰۱۱ روی ۱۹۰ زوج تازه ازدواج کرده صورت گرفت، مشخص شد که میان استفاده افراطی از

اینترنت و کلیه جنبه‌های کیفیت رابطه زناشویی، شامل رضایت از رابطه، و احساسات و رفتار معطوف به شریک زندگی رابطه منفی معناداری وجود دارد (Kekhorf & others, 2011).

یکی از اولین کارهای تحقیقی که در زمینه تأثیر اینترنت بر تعاملات خانوادگی انجام شده تحقیق کرات و همکاران (۱۹۹۸) است، با عنوان "پارادوکس اینترنت، تکنولوژی اجتماعی که مشارکت اجتماعی و سلامت روان را کاهش می‌دهد". در این مطالعه طولی تعداد ۱۶۹ نفر از ۷۳ خانواده برای مدت یک سال در اولین سال استفاده از اینترنت تا دومین سال آن مورد مطالعه قرار گرفتند و زمان استفاده آن‌ها از اینترنت و مصرف رسانه‌ای آن‌ها از دو وجه استفاده از اطلاعات و سرگرمی‌ها، و نامه‌نگاری اینترنتی ثبت گردید. همچنین مشارکت اجتماعی با مؤلفه‌های تعامل خانوادگی، اندازه شبکه‌های خانوادگی محلی، و شبکه‌های اجتماعی دور بُردتر مورد پرسش قرار گرفتند. احساس اضطراب، تنهایی و افسردگی نیز مؤلفه‌های سنجش سلامت روان به حساب آمده‌اند. در سال دوم پس از طی ۱۲ ماه افراد نمونه بار دیگر مورد پرسش قرار گرفته‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان دهنده آن است که استفاده از اینترنت در طول زمان با کاهش تعامل مشارکت‌جویانه با اعضای خانواده همراه بوده و گاه به عنوان ابزاری برای فرار از تعامل با آنان به کار رفته است. همچنین با افزایش استفاده از این ابزار گروه‌های اجتماعی که فرد بدان‌ها وابسته است کوچک‌تر شده و از سوی دیگر احساس تنهایی و افسردگی در فرد افزایش می‌یابد (Kraut & others, 1998). کرات و همکاران (۲۰۰۲) در تحقیق دیگری که چند سال بعد صورت دادند در نتایج تحقیق اولیه خود بازبینی کردند. این تحقیق که روی نمونه‌های تحقیق پیشین و همچنین نمونه‌های جدید صورت گرفت حکایت از آن دارد که کاربران اینترنت تعاملات خانوادگی روبه رشدی داشته و چرخه گروه‌های اجتماعی آن‌ها نیز گسترش یافته است. مشابه بودن این نتایج در نمونه‌های تحقیق پیشین (با کاربری طولانی‌تر) و نمونه‌های جدید، این استدلال را از سوی محققان در پی داشت که تغییر در نتایج استفاده از

اینترنت پیامد تغییر در خود فضای اینترنت بوده، فضایی که در آن هم امکان برقراری ارتباط گسترش یافته و هم گسترش اطلاعات پیوندی میان فضای مجازی و حقیقی برقرار ساخته است. همچنین دسترسی افراد بیش‌تری به اینترنت، امکان تعامل مجازی میان افراد آشنا را بالا برده است (Kraut & others, 2002: 23).

نگاه مثبت بیان شده به افزایش تعامل خانوادگی از خلال مصرف اینترنت، پیش از هر چیز بر ابعاد کمی موضوع نظر دارد. با نگاهی عمیق‌تر که تعامل خانوادگی را امری پیچیده‌تر از صرف تماس با یکدیگر در نظر بگیرد، سویه‌های دیگری از موضوع برای ما روشن خواهد شد. در تحقیق ویلیامز و مرتن (۲۰۱۱) که با نگاه اکولوژیکی به بررسی تأثیر درون و برون خانوادگی استفاده از اینترنت بر سلامت فرد و خانواده پرداختند، این فرضیه مطرح شد که پیوند خانوادگی با استفاده از اینترنت و سایر ابزارهای ارتباطی افزایش می‌یابد. در این تحقیق پیمایشی که بر داده‌های دو پیمایش پیشینی با ۳۸۶ و ۶۹۶ نمونه متمرکز است، میزان استفاده از اینترنت، تعداد ابزارهای ارتباطی، میزان استفاده مشترک، شیوه‌های برقراری ارتباط، و استفاده‌های کاری از اینترنت به عنوان متغیر مستقل تعریف شدند. متغیر وابسته این پژوهش پیوند خانوادگی است که با مؤلفه‌های زمان سپری شده با هم، احساس نزدیکی، چگونگی ارتباط، و کیفیت رابطه اعضا عملیاتی شده است. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که تأثیر ابزارهای ارتباطی مدرن بر پیوند خانوادگی می‌بایست با نگاهی چند بعدی مطالعه شود. از این منظر، به واسطه گذراندن زمان مشترک در استفاده از اینترنت، به کار بردن ابزارهای ارتباطی متعدد و در نتیجه تماس بیش‌تر، و انتقال کار به فضای خانه، استفاده از اینترنت به پیوند خانوادگی بالاتر منجر می‌شود. با این حال کثرت ابزارهای ارتباطی و اینترنت به‌طور کلی با کاهش زمان‌های مشترک و تعاملات رودررو، در خارج از فضای تکنولوژیک همراه است. بدین معنا با بالا رفتن استفاده از این ابزارها افراد بیش‌تر به مزویانی مرتبط با هم تبدیل می‌شوند که در عین ارتباط مستمر احساس نزدیکی و صمیمیت در آنان پایین است (Williams & Merton, 2011).

نی و دیگران (۲۰۰۲) نیز در تحقیق خود تأثیر اینترنت بر روابط بین فردی و اجتماعی شدن را به شیوه پیچیده‌تری آزمودند. سؤال اصلی تحقیق آنان این بود که کجا و در چه زمانی استفاده از اینترنت تعامل رودررو را متأثر می‌سازد. به بیان دیگر اشکال و مقادیر متفاوت استفاده از رسانه چه نسبتی با زمان طی شده در روابط چهره به چهره با خانواده، دوستان و همکاران برقرار می‌کند؟ در این کار با استفاده از پرسشنامه، زمان استفاده از رسانه و زمان برقراری تعامل رودررو در فضای خانه و کار، در هنگام عصر و دیگر زمان‌های روز، در تعطیلات و سایر روزها، و در فضای کار و فراغت سنجیده شد. نتایج تحقیق نشان می‌دهند که استفاده از اینترنت در خانه اثر منفی شدیدی بر زمان سپری شده با دوستان و خانواده دارد، حال آن‌که این عمل در محل کار تأثیر چندانی روی روابط دست اول فرد به جای نمی‌گذارد. به همین شکل کار با اینترنت در تعطیلات، و در هنگام عصر تأثیر منفی بیش‌تری بر روابط چهره به چهره فرد با نزدیکان دارد. این محققان اذعان دارند که در فهم دامنه تأثیرگذاری ابزار اینترنت می‌بایست عناصر زمان و فضای استفاده دخالت داده شوند (Nie & others, 2002).

۲) گسترش روابط همسران از طریق اینترنت

تحقیقاتی که پیش از این بدان‌ها اشاره شد با در نظر داشتن مؤلفه زندگی روزمره، بر تأثیرگذاری هرگونه مصرف اینترنت (جدا از محتوا و نوع مصرف) بر پیوندهای عینی خانوادگی نظر داشته و هر کدام جزئی از این مقوله کلی را سنجیده‌اند. اما وجه دیگری از این امر به قدرتی باز می‌گردد که اینترنت به کاربرانش برای برقراری ارتباط و تعامل با همسر می‌بخشد. نتایج تحقیق هرتلین و انچتا (۲۰۱۴) روی افرادی که از اینترنت برای تعامل با همسر استفاده کرده‌اند، نشان می‌دهد بالا رفتن میزان استفاده از ابزارهای ارتباطی تکنولوژیک تأثیرات مثبتی در برقراری رابطه میان زوج‌ها داشته است. زوج‌ها می‌توانند با استفاده از ابزار ارتباط اینترنتی، به توسعه روابط خود بپردازند. این امر از امکان در دسترس بودن زوج و احساس امنیت عاطفی ناشی از آن تأثیر می‌پذیرد.

مدیریت روابط میان زوج‌ها از طریق کسب اطلاعات کاربردی مجازی، کنترل تضادها به کمک بیان احساسات و افکار از طریق نت، کاهش اضطرابی که محصول مواجهات رو در رو است، و نشان دادن تعهد به زوج با همگانی کردن این امر در فضای مجازی، از جمله کمک‌های فضای مجازی به مدیریت روابط زوج‌ها است. همچنین برخی زوج‌ها توانسته‌اند با بهره‌گیری از محتواهای جنسی مجازی و رد و بدل کردن پیام‌ها یا تصاویری با این مضمون به روابط جنسی خود تنوع ببخشند. این امر در کنار افزایش روابط در زوج‌های دور از هم از جمله راه‌کارهای ارتقای روابط در میان زوج‌های مورد بررسی به‌شمار رفته است. البته در همین پژوهش مسائلی چون رواج روابطی با کیفیت و صمیمیت پایین، کاهش اعتماد به شریک رابطه، و کاهش وضوح و شفافیت پیام‌ها و افکار، در زمره پیامدهای منفی ارتباطی زوج‌هایی برشمرده شده است که روابط مجازی سهم عمده‌ای از تعاملات آن‌ها را شکل می‌دهد (Hertlein & Ancheta, 2014). این تحقیق اگرچه نشانگر برخی تأثیرات مثبت استفاده از اینترنت برای برقراری رابطه میان زوجین است، اما مؤید فراوانی این نوع کاربرد مثبت از فضای مجازی و نسبت آن با سایر مصارف احتمالی نیست. در واقع مؤلفه‌های مختلفی در احتمال کاربرد اینترنت از سوی همسران دخیل هستند. برای مثال، در بین زوجینی که به هر دلیلی از یکدیگر فاصله مکانی دارند استفاده از اینترنت و به خصوص تماس‌های تصویری به کاستن از حس دور افتادگی کمک می‌کند. این دست افراد می‌توانند با استفاده از تماس‌های تصویری در لحظات مختلف زندگی روزمره یکدیگر شریک شده و ساعت‌ها همزیستی با یکدیگر را تجربه کنند. همچنین به کمک این ابزار ارتباطی نیاز به صمیمیت عاطفی و نیز صمیمیت جنسی در بین زوج‌های دور از هم تا حدی برآورده خواهد شد (Neustaedter & Greenberg, 2012 & Neustaedter & others, 2015).

۳) عوامل زمینه‌ای مؤثر بر پیوند زوجین از طریق اینترنت

یکی از مؤلفه‌هایی که می‌تواند در پیوستگی زوجین از طریق اینترنت نقش ایفا کند، زمان و برهه‌ای است که زوجین در آن به سر می‌برند. بدین ترتیب زمانی که یک زوج تازه با هم آشنا شده و تجربه زیست مشترک خود را آغاز نکرده باشند، اینترنت همانند تلفن واسطه‌ای برای برقراری ارتباط میان آنان به‌شمار رفته و پیام‌های اینترنتی می‌توانند نقشی به‌سان نامه‌نگاری‌های عاشقانه سنتی ایفا نمایند (Morrison & Krugman, 2001:158)، امری که در سال‌های آتی زندگی رو به افول رفته و میان همسران همخانه به امری کم‌اهمیت بدل می‌شود. بدین ترتیب می‌توان ادعا کرد که میان مدت زمان همزیستی یک زوج و میزان مصرف ابزارهای نوین ارتباطی برای برقراری رابطه، رابطه معکوس برقرار است (Boneva & others, 2001: 531 & Coyne & others: 2011). از سوی دیگر عادت زوجین به برقراری روابط مجازی در پیش از ازدواج، نیازمند تغییر در دوران بعدی زندگی است. در فضای زندگی مشترک که اعضای خانواده نیاز به تعامل رودررو دارند، اگر یکی از همسران نتواند رفتار استفاده از اینترنت را متناسب با موقعیت جدید تغییر دهد، می‌تواند مشکلات جدی‌ای را در فضای تعاملی با همسر ایجاد سازد (Kekhorf, 2011: 149).

در بررسی مقوله پیشین، یعنی نقش اینترنت در تقویت روابط زوجین مؤلفه قابل توجه دیگر بحث جنسیت است. بر مبنای پژوهش‌های صورت گرفته زنان و مردان به یک اندازه به بهره‌گیری از اینترنت برای برقراری رابطه با شریک رابطه تمایل نشان نمی‌دهند. بر این مبنای زنان به طور کلی بیش از مردان به فعالیت‌های ارتباطی با نزدیکان و از جمله با همسر، از طریق اینترنت علاقه دارند. در حالی که فعالیت مردان در این فضا بیشتر معطوف به فعالیت‌های انفرادی است (Zickhur & Smith, 2012 & Fallows, 2005 in Campbell, 2015: 42 & Boneva & others, 2001). از سوی دیگر، زنان بیش از مردان تمایل دارند رابطه و عواطف فیما بین آن‌ها در فضای عمومی مجازی بازتاب بیابد. به عکس، مردان نسبت به چنین ابراز عمومی تمایل چندانی

نداشته، و این بی میلی گاه با سوء تعبیرهایی از سوی شریک زندگی همراه می‌شود (Papp et. al., 2012).

از سوی دیگر عوامل زمینه‌ای نظیر کیفیت رابطه زوجین می‌تواند بر نوع استفاده از ابزارهای ارتباطی در برقراری رابطه با شریک زندگی مؤثر باشد. در تحقیق کوین و همکاران (۲۰۱۱) افرادی که از پیشینه ارتباطی مثبتی با شریک رابطه خود برخوردارند از پیام‌های متنی مثبت برای انتقال احساسات و بهبود رابطه خود سود می‌برند. در مقابل در زوج‌هایی که اساس رابطه بر پایه تنش بنا شده است، این پیام‌ها بیش‌تر محتوای آزاردهنده پیدا کرده، به بحث‌های مقابله‌ای پیشین دامن زده، و یا برای دوری از یکدیگر و گاه عذرخواهی به کار می‌رود (Coyne & others, 2011). بدین ترتیب اینترنت و سایر ابزارهای ارتباطی خود می‌تواند به عنوان محملی برای نمود زمینه ارتباطی از پیش موجود زوجین در نظر گرفته شود.

بنابر آنچه گفته شد می‌توان این‌گونه بیان کرد که درک تأثیر اینترنت در روابط بین همسران نیازمند در نظر داشتن کلیه جنبه‌های این روابط بوده، و نگاه تک بعدی به این امر تنها سهل‌انگاری در درک امری پیچیده و چند بعدی است. در ادامه از تمرکز بر فضای درون خانواده فراتر رفته و با توجه بیش‌تر به محتوای مصرف اینترنتی، رابطه این امر با روابط همسران و به خصوص مرزهای حوزه زناشویی را مورد مطالعه قرار خواهیم داد.

محتوای اینترنتی و مرزهای زناشویی

خرده نظام همسران، به‌سان سایر نظام‌ها، واجد مرزهایی است که حفظ و دوام این واحد منوط به صیانت از این مرزهاست. به رغم تفاوت‌های فرهنگی در تعریف رفتارهای مجاز در داخل و خارج از این مرزها، ضرورت محدود ساختن رفتارهای اعضا برای حفظ این گروه کوچک امری بدیهی است. با وجود آن‌که در نزد عموم افراد، و در سطح نظر، تعهد، به عنوان اصلی بدیهی برای دوام زندگی زناشویی به شمار

می‌رود، اما همواره افرادی وجود دارند که در سطوح مختلف این قاعده ارتباطی را نقض کنند. اینترنت از جمله وسائلی است که این نقض تعهد را آسان و به واسطه شکل متفاوت ارتباط، پذیرفتنی‌تر نموده است. حوزه رابطه با جنس مخالف که عرف و اخلاق دامنه آن را به همسر محدود کرده و گزاره‌های نسبتاً مشخصی برای تعریف رفتارهای سازگار یا ناسازگار با مناسبات این حوزه ارائه کرده است، در فضای مجازی با چالش‌های جدی روبه‌رو گشته است. فرارفتن از مرزهای زناشویی، تا پیش از گسترش ابزارهای ارتباطی واجد مصادیق ملموس‌تری بوده و عمدتاً با تماس‌های ممنوعه جسمانی عینیت می‌یافتند. اما در رابطه‌ای مجازی، با فاصله‌ای بعید میان بدن‌ها، این که کدام رفتار و چه گستره‌ای از آن را می‌توان به عنوان تهدیدی برای روابط زناشویی محسوب نموده، و یا در حیطة خیانت زناشویی طبقه‌بندی کرد، به امری مبهم بدل می‌شود. استفاده از انواع محتواهای مجازی، عضویت در گروه‌های مختلف و حضور در اتاق‌های گفت‌وگوی اینترنتی، در فضای امن خانه و در خصوصی‌ترین قلمروی فرد صورت می‌پذیرد، در جایی که هیچ بیگانه‌ای حضور جسمانی نیافته و معیار قضاوت و نظارتی جز ذهن وجود ندارد. در جریان روی آوردن به رفتارها و تعاملاتی که معیارهای سنتی مهر محکمی بر خیانت‌آمیز بودن آن نزده‌اند، و در نتیجه نبود اهرم‌های کنترل‌کننده اجتماعی که تعهد زناشویی را پاسداری کنند، خروج از مرزهای زناشویی در فضای مجازی به امری فراوان و قابل تأمل تبدیل گشته است و در میان پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه مصرف اینترنت و روابط همسران، بیش‌ترین تحقیقات در همین قلمرو می‌گنجند. این امر زمینه را برای متمایز ساختن دو عرصه در مطالعات مرتبط می‌گشاید. بدین منظور در این تحقیق در ابتدا بر استفاده از محتوای جنسی مجازی و تأثیر آن بر رابطه همسران متمرکز شده و سپس به روابط عاطفی و جنسی مجازی، یعنی مصارفی از اینترنت که به رابطه با فردی مشخص انجامیده‌اند، خواهیم پرداخت.

الف) روابط همسران و استفاده از محتوای جنسی

استفاده از مطالب جنسی رسانه‌ها و تأثیر آن بر روابط بین همسران موضوع تحقیقی متأخری نیست و از همان ابتدا توجه محققین عرصه خانواده را به خود جلب کرده است. تا پیش از ظهور اینترنت نیز رسانه‌های گوناگونی با محتوای پورنوگرافی در دسترس متقاضیان آن قرار داشته، اما روشن است که دسترسی به این محتواها هرگز به اندازه امروز سهل‌الوصول نبوده است. با ظهور اینترنت، صنعت سکس حضور بی‌سابقه‌ای را در همه گروه‌های سنی و در خانه، مدرسه و محل کار تجربه کرده است (Manning, 2006: 132). در تحقیق کیبرلی و دیگران (۲۰۰۵)، استفاده از پورنوگرافی اینترنتی، پس از استفاده افراطی از اینترنت، مهم‌ترین مشکل اینترنتی خانواده‌هایی بوده است که برای مشاوره به مراکز درمانی مراجعه کرده بودند (Kimberly & others: 205). در این شرایط پرسش‌های متعددی در زمینه تأثیر مصرف محتوای جنسی بر روابط همسران قابل طرح است، نظیر این که دلایل و انگیزه‌های روی آوردن فرد (زن یا شوهر) به این نوع مصرف چیست؟ زمینه‌های خانوادگی چه تأثیری بر روی آوردن یکی از همسران به این نوع از مصرف دارد؟ آیا استفاده از محتوای جنسی مجازی اثراتی مشابه تعاملات فرازناشویی بر روابط همسران به جای می‌گذارد و آیا می‌تواند زمینه‌ای برای روی آوردن به این دست تعاملات باشد؟ آیا زنان و مردان استفاده‌کننده به یک اندازه اثرات این نوع از مصرف را بر خود و یا همسر تجربه می‌کنند؟ و این که آیا استفاده مشترک یا به تنهایی از این نوع محتوا تأثیرات مشابهی بر روابط همسران خواهد نهاد؟

الف-۱) آثار سوء مصرف محتوای جنسی بر کیفیت روابط زناشویی

همان‌گونه که بیان شد به مدد اینترنت استفاده از محتوای جنسی رواج چشمگیری یافته است. این فراوانی بیش از همه متأثر از سه ویژگی در دسترس بودن، کم هزینه بودن و گمنامی مصرف‌کننده است (Cooper, 1998). دسترسی آسان در کنار فقدان رابطه با شخصی شناخته شده و واحد، استفاده از پورنوگرافی اینترنتی را در نزد

برخی مدعیان وفاداری و پایبندی به همسر نیز طبیعی و موجه جلوه نموده است. از سوی دیگر بنا بر تحقیقات تجربی، استفاده از پورنوگرافی کمتر از روابط فرازناشویی با افراد مشخص، همسران را نگران روابط زناشویی خود می‌کند، زیرا در بهره‌گیری از مطالب جنسی مجازی احتمالی برای شکل‌گیری روابط رودررو وجود ندارد (Whitty, 2003: 576). با این حال چشم‌پوشی از اثرات مخرب این نوع استفاده از اینترنت بر نظام خانواده و خرده نظام روابط همسران بسیار ساده‌انگارانه است. بر خلاف تصور اولیه که صرف تأهل را راهی برای مصون ماندن از مصرف پورنوگرافی می‌داند، طیف وسیعی از مبتلایان به اعتیاد جنسی مجازی را مردان متأهل ناهمجنس‌خواه تشکیل می‌دهند (Cooper, Delmonico, Burg, 2000 in Manning, 2006: 138). به نظر می‌رسد که کیفیت زندگی زناشویی می‌تواند با میزان مصرف پورنوگرافی مرتبط باشد. بر طبق پیمایشی که در سال ۲۰۰۰ بر روی ۵۳۱ نمونه انجام شده، برای همسرانی که رابطه شاد و رضایت‌بخشی داشته‌اند تا ۶۱ درصد احتمال کمتری برای مصرف پورنوگرافی در اینترنت وجود داشته است (Stack, Wasserman & Kern, 2004). این مفروض، یعنی رابطه معکوس رابطه موفق زناشویی و مصرف محتوای جنسی در تحقیقات دیگر نیز تأیید گشته است (Buzzell, 2005, Bridges & Mc Gahan, 2011: 3). بسیاری از مصرف‌کنندگان محتوای جنسی مجازی، بیش از پاسخگویی به تمایلات جنسی خود، به دنبال مکانیسم فراری برای تسکین تنش‌های روانی روزمره هستند (Yong, 2000: 61).

سویه دیگر این رابطه، یعنی همبستگی مصرف سکس مجازی و گسست‌های زناشویی نیز مورد توجه و تأکید تحقیقات بوده است. در بدو امر، اگرچه وجود همبستگی مؤید رابطه علی بین این دو، یعنی تأثیر استفاده از محتوای جنسی بر گسست رابطه همسران نیست، اما به نظر می‌آید که اینترنت، فراوانی رفتارهایی را که به دوام و ثبات زناشویی لطمه می‌زند افزایش داده است (Manning, 2006: 140). نتایج تحقیق

زیمانسکی و استوارت-ریچاردسون میان دو متغیر مصرف محتوای جنسی و کیفیت رابطه همسران (شامل چهار مؤلفه وفاق، رضایت، انسجام و ابراز احساسات) همبستگی ۰/۸۲- بین دو متغیر را نشان داده است، بدین معنا که در میان متغیرهای مختلف، متغیر مصرف محتوای جنسی نه تنها تأثیر منفی بر کیفیت رابطه همسران دارد بلکه به تنهایی می‌تواند ۶۷ درصد تغییرات آن را پوشش دهد. این میزان در قیاس با ضریب همبستگی محاسبه شده میان استفاده از پورنوگرافی و رضایت جنسی در همین تحقیق که برابر ۰/۵۵- است جایگاه پررنگ‌تری نیز می‌یابد (Szymanski & Stewart-Richardson, 2014: 75). در تحقیق دیگری که در سال ۲۰۱۳ روی ۶۱۷ زوج آمریکایی صورت گرفته است رابطه مستقیم معناداری میان مصرف پورنوگرافی و رضایت از رابطه با همسر، در زنان و مردان مورد مطالعه یافت نشده است. با این وجود نتایج این تحقیق حاکی از آن است که استفاده از سکس مجازی از سوی مردان به واسطه تأثیر منفی روی کیفیت رابطه جنسی، هم بر رضایت جنسی زن و هم بر رضایت زن از کل رابطه تأثیر منفی می‌گذارد (Poulsen & Busby, 2013: 77).

الف-۲) تأثیر سوء استفاده از محتوای جنسی بر عواطف و افکار فرد و همسر

استفاده از محتوای جنسی مجازی با تأثیرات مختلفی بر عواطف و نگرش‌های فرد و همسرش همراه است. در تحقیق برگنر و بریجز روی نامه‌های صد زن که همسرانشان درگیر استفاده از مطالب جنسی مجازی بودند انجام شده، لغاتی چون "فريب" و "خیانت" عام‌ترین واژگانی بوده که آنان برای توصیف عملکرد همسرانشان به کار برده‌اند. به رغم آن‌که این مردان عملاً رابطه‌ای بیرون از حیطه زناشویی را تجربه نکرده‌اند، همسرانشان چنین فعالیتی را شکستن مرزهای رابطه و زیر پا گذاشتن پیوند خود توصیف کرده‌اند، زیرا آنان خصوصی‌ترین جنبه رابطه زناشویی، یعنی رابطه جنسی، که مؤید رابطه عاشقانه آنان و نکته تمایز این رابطه با سایر روابط فرد است را با هزاران زن خیالی دیگر به اشتراک گذاشته‌اند. یافته‌های این تحقیق همچنین نشانگر آن است که استفاده مکرر از محتوای جنسی مجازی به واسطه تقویت انتظارات

غیرواقع‌بینانه از ویژگی‌های جسمی و توانایی‌های جنسی همسر، احساس رضایت و تمایل فرد به رابطه جنسی با وی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. همچنین برای این افراد رابطه جنسی هرچه بیش‌تر وجه جسمانی پیدا کرده و معانی و وجوه عاطفی و روانی آن تحلیل می‌رود. در واقع همسر به عنوان شریک جنسی در نزد این اشخاص صرفاً به یک بدن و یا شیء جنسی تقلیل می‌یابد که می‌توان گستره ناپسامان ایده‌ها و تصاویر جنسی ذهن را در برخورد با وی به فعلیت رساند (Bergner & Beridges, 2002). استفاده مکرر از پورنوگرافی علاوه بر رابطه جنسی با همسر می‌تواند سایر وجوه ارتباطی آنان را نیز متأثر سازد.

الف-۳) اثر سوء مصرف محتوای جنسی بر روابط فرازناشویی

استفاده زیاد از پورنوگرافی نه تنها فضای ارتباطی زوجها را متأثر می‌سازد که می‌تواند بر مرزهای بیرونی این خرده نظام نیز تأثیرگذار بوده و آنرا متزلزل سازد. استاک و همکارانشان در تحقیق خود دریافتند میزان مصرف محتوای جنسی مجازی در نزد کسانی که روابطی خارج از روابط زناشویی خود تجربه کرده‌اند ۳/۱۸ برابر افراد دیگر است. البته این یافته روشن‌گر این نیست که کدام یک از این دو رفتار مقدمه دیگری است و صرفاً بر همبستگی این دو دلالت دارد (Stack, Wasserman & Kern, 2004). در هر حال با پایین آمدن کیفیت رابطه همسران، تبادر به روابط فرازناشویی امری محتمل به نظر می‌رسد. از سوی دیگر جدا از مقوله تأهل، روابط جنسی در دنیای واقعی در نزد افرادی که تجربه سکس مجازی بیش‌تری دارند نسبت به سایر افراد دامنه گسترده‌تری دارد؛ و بخشی از این روابط مربوط به افرادی است که پیش از این با آنها در فضای مجازی آشنا گشته‌اند (Daneback & others, 2005: 326). در سال ۲۰۰۲ در یک تحقیق غیر رسمی روی وکلایی که پیگیری ۱۶۰۰ پرونده مختوم به طلاق خانواده‌های امریکایی در طی یک سال را بر عهده داشتند روشن گشته که در ۶۸ درصد طلاق‌های رخ داده، برای یکی از زوجین رابطه جدیدی از طریق اینترنت شکل گرفته، در ۵۶ درصد این موارد، یکی از طرفین علاقه مفرطی به سایت‌های پورنو داشته،

و ۳۳ درصد به حضور در چت‌روم‌ها و به خصوص مکالمات جنسی عادت داشته‌اند (Manning, 2006: 141).

الف-۴) محتوای جنسی، روابط زناشویی و جنسیت

نتایج تحقیقات همچنین به تفاوت جنسیتی در بررسی اثرات استفاده از محتوای جنسی رسانه‌ای و روابط همسران دلالت دارند. به طور کلی به نظر می‌رسد که مردان بیش از زنان از محتوای جنسی مجازی بهره می‌گیرند (Bridges & Monokoff, 2010: 17). البته موضوع مصرف محتوای جنسی مجازی از سوی مردان نیز بیش از مصرف زنان مورد تحقیق قرار گرفته است (Manning, 2006: 133). با وجود تفاوت در میزان پژوهش روی دو جنس، نتایج تحقیقات موجود حکایت از آن دارد که زنان و مردان علاوه بر میزان‌های مختلف می‌توانند با رویکردهای متفاوت با مطالب جنسی برخورد داشته و آن‌را در زندگی زناشویی دخالت دهند. در تحقیق بریدجز و مونوکوف، مصرف محتوای جنسی مجازی مردان با کاهش رضایت زناشویی در مرد و زن همراه بوده است، حال آن‌که این نوع مصرف از سوی زن بدون تأثیر معنادار بر رضایت جنسی زن، و با افزایش رضایت عمومی مرد از رابطه قرین گشته است. البته به زعم نویسندگان این مقاله این همبستگی لزوماً بر تأثیرگذاری این نوع از مصرف زنان بر رابطه دلالت ندارد و می‌تواند منبعت از تمایلات قوی جنسی برخی زنان به طور کلی باشد (Bridges & Monokoff, 2010: 19). تحقیق پولسن و باسپی با تأیید این نتایج، تأثیر منفی پورنوگرافی بر رضایت جنسی مرد را متأثر از تغییر پنداشت وی از شریک جنسی مطلوب و همچنین تغییر تصوراتش از یک رابطه ایده‌آل می‌داند. از منظر این تحقیق تفاوت این تأثیر بر زنان، بیش‌تر به دلیل تمایل زنان به استفاده مشترک با همسر از محصولات پورنوگرافی است که در کل شرایط مصرف زنان و در نتیجه اثرات آن را متفاوت می‌سازد (Poulsen & Busby, 2013: 81).

الف-۵) تاثیرات استفاده مشترک یا انفرادی از محتوای جنسی مجازی

یافته‌های پیشین به گشایش وجه دیگری از این امر منجر می‌گردد و آن پیامدهای متفاوت استفاده مشترک یا به تنهایی همسران است. مشاهده مشترک مطالب جنسی از سوی زوجها معمولاً با نیت بهبود این روابط (جدا از محقق شدن یا نشدن این هدف) در بین آن‌ها انجام شده و گاه مورد تأیید و استفاده درمانگران نیز هست (Robinson & others, 1999). با این حال این نوع استفاده از مطالب جنسی عمدتاً به تنهایی و بدون آگاهی طرف مقابل صورت می‌پذیرد (Cooper, Scherer, et al. 1999 in Bridges & Morokoff, 2011 & Danebeck & others, 2009). یافته‌های تحقیقات بر تأثیر منفی‌تر استفاده تنها از مطالب جنسی بر روابط زناشویی در قیاس با استفاده مشترک دلالت دارند (Danebeck, K., Træen, B., & M°ansson, S. 2009 & Bridges & Monokoff, 2011). در همین راستا، تحقیقی که روی ۳۹۸ زوج نروژی انجام شده نشان می‌دهد در زوج‌هایی که یکی از اعضای آن از محتوای جنسی رسانه‌ای استفاده می‌کردند، احتمال بروز پیامدهای منفی بیش‌تر از زوج‌هایی است که هر دو یا هیچ‌یک به این مطالب دسترسی نداشته‌اند. این نوع استفاده از مطالب جنسی اگرچه در زنان و مردان هر دو پیامدهای منفی به جا می‌گذارد، اما در این‌جا نوع این پیامدها در دو جنس از هم متمایز گشته‌اند. کاهش توجه و برانگیختگی جنسی در رابطه با همسر در نزد مردان و بروز نگرش منفی پیرامون خود در نزد زنان از پیامدهای استفاده به تنهایی از مطالب جنسی بوده است (Danebeck, K., Træen, B., & M°ansson, S., 2009). از سوی دیگر مشاهدات جنسی مشترک زنان و مردان عمدتاً با تمایل و پیشنهاد مردان صورت می‌پذیرد. از این‌رو رضایت جنسی مرد در پی مشاهدات جنسی مشترک با همسر بیش از رضایت جنسی زنان گزارش شده است (Bridges & others, 2009 in Bridges & Monokoff, 2010: 21).

در هر حال اثرات مثبت ناچیز استفاده مشترک از مطالب جنسی نمی‌تواند به عنوان ملاکی برای ارزیابی مثبت از مصرف پورنوگرافی اینترنتی در روابط زناشویی قرار گیرد و عمدتاً رفتارهای غیر متعارفی چون روابط همجنس‌خواهانه، سکس با کودکان و

نوجوانان، سکس گروهی و ... موضوع مشاهده مشترک زوجین قرار نمی‌گیرد و در نتیجه تأثیر مشاهده انفرادی این رفتارها و تأثیر سوء آن بر روابط زناشویی مسأله مهمی است که در حیطه قلمروی مذکور نمی‌گنجد (Manning, 2006: 138).

الف-۶) انگیزه‌های مصرف محتوای جنسی و روابط همسران

وجه دیگر قابل اهمیت در سنجش تأثیر مصرف مطالب جنسی بر روابط زوجین، عوامل زمینه‌ساز این دست مصرف است. در تحقیق کوپر و دیگران روی نمونه‌های مذکر، تأثیر انگیزه‌های مصرف مطالب جنسی بر روابط زوج‌ها سنجیده شده است. بدین ترتیب مردانی که با هدف یادگیری به مصرف داده‌های جنسی روی می‌آورند از تأثیر مثبت آن در رابطه با همسرانشان خبر داده‌اند، حال آن‌که استفاده از محتوای جنسی مجازی برای فائق آمدن بر استرس و افسردگی با مشکلات بیش‌تری در رابطه با شریک زندگی همراه بوده است (Cooper, Scherer, et al. 1999 in Bridges & Morokoff, 2011). سویه دیگر تفاوت جنسیتی در مصرف سکس مجازی در اینجا آشکار می‌گردد و آن تفاوت دلایل جنسیتی در روی آوردن به این رفتار است. بر این مبنا به نظر می‌رسد که زنان بیش‌تر تمایل دارند محتوای جنسی مجازی را با هدف کسب آمادگی جسمانی یا یادگیری، به عنوان بخشی از فرآیند ارتباط جنسی با همسر به کار گیرند، حال آن‌که در نزد مردان این عمل عمدتاً یک تجربه جنسی مستقل است که گاه با خود ارضایی همراه می‌شود (Bridges & Morokoff, 2011: 20). در تحقیق دیگری که روی ۶۱۷ زوج آمریکایی انجام شده، عوامل زمینه‌ای نظیر تمایلات مذهبی ضعیف‌تر، تعداد شرکای جنسی تجربه شده در زندگی، و سرعت روی آوردن به روابط جنسی در دوران رابطه، از جمله عواملی است که با بالا رفتن میزان استفاده از پورنوگرافی در مردان متأهل مرتبط بوده است (Poulsen & Busby, 2013: 80).

پس از پرداختن به رابطه مصرف محتوای جنسی مجازی و روابط همسران که بیش‌تر به زیر پا گذاشتن مرزهای ذهنی زندگی زناشویی نظر داشت، می‌توان به روابط

مجازی و تأثیر آن بر روابط همسران پرداخت، یعنی جایی که گذر از مرزهای گروه زناشویی صورت عینی‌تری به خود می‌گیرد.

ب) روابط فرازناشویی مجازی و روابط همسران

همان‌گونه که پیش از این اشاره شد جنبه دیگری از تحقیقات که به رابطه اینترنت و همسران می‌پردازد معطوف به تعاملات فرازناشویی است. روابط کلامی، احساسی و یا جنسی که پیش از این بیش‌تر وابسته به ظرف زمان و مکان بوده و عمدتاً در روابط رودررو سامان می‌یافت اکنون به کمک اینترنت حصارهای تثبیت شده خود را درنور دیده است. همپوشانی اینترنت با گروه‌های اولیه نظیر خانواده در پرداختن به این امور، زمینه‌ساز شکل‌گیری تحقیقاتی شده که شناخت روابط مجازی و نسبت آن با خانواده را مد نظر قرار داده‌اند. تا پیش از دهه ۱۹۹۰ میلادی پرداختن به روابط مجازی و نسبت آن با روابط خانوادگی رواج چندانی در مطالعات فرهنگی و اجتماعی نداشت. تنها پس از مشاهده رواج هرچه بیش‌تر این‌گونه روابط بود که توجه محققان بدین امر معطوف گردید (Hughes & Hans, 2004: 511). امروزه، پس از استفاده افراطی از اینترنت؛ و مصرف پورنوگرافی، خیانت مجازی مهم‌ترین مشکل خانواده‌ها با استفاده از اینترنت است (Kimberly & others, 2005). در شرایط کنونی تأهل نیز عاملی برای بازداشتن فرد از پرداختن به روابط مجازی به شمار نمی‌رود (Daneback & others, 2005: 326). محققان در تبیین رشد فرارونده روابط فرازناشویی اینترنتی علل مختلفی را بیان کرده‌اند. برخی آن را مرهون ویژگی‌های خود اینترنت می‌دانند. در این رابطه یانگ مدل ACE متشکل از سه عامل گمنامی، سهولت و گریز^۱ را پرورانده است. طبق این مدل ناشناخته ماندن فرد در محیط مجازی و قابلیت مخفی نگه داشتن آن از دیگران، آسانی و کم هزینه به نظر رسیدن این روابط، و توانایی فضای مجازی برای

1. Anonymity, convenience & escape

گریز دادن فرد از مسائل و مشکلات حقیقی زندگی زناشویی، زمینه‌ساز رواج این رفتار در میان همسران و حتی کسانی است که دوام زندگی زناشویی خود را خواهان‌اند (Yong, 1999b in Yong & other, 2000: 61).

در شرایط کنونی پیش از تسری احتمالی روابط فرازناشویی مجازی به واقعیت، خود این روابط مجازی مورد تأمل محققان این حوزه است، زیرا محدود کردن این دست تعاملات در فضای اینترنت نیز به معنای محصور ماندن پیامدهای آن نیست و با وجود "غیبت جسم" در فضای اینترنت تأثیر این امور بر اندیشه و احساس افراد، مشهود است. بسیاری از افراد در مواجهه با روابط عاطفی و جنسی همسرشان از فضای اینترنت و پیامدهای رفتاری آن، این امر را تهدیدی جدی و واقعی برای زندگیشان تلقی می‌کنند (Whitty, 2003: 577 & Dijkstra & others, 2009: 329). در واقع، قدرت اینترنت که برای بالا بردن روابط اجتماعی برون خانوادگی اثبات شده، آنجا که موضوع سنجش روابط همسران است، می‌تواند به جایگزین نامطلوبی برای روابط ضروری همسران تبدیل شود (Morrison & Krugman, 2001:155). روابط مجازی^۱ خود می‌تواند تماس‌های مداوم فرد با یک شخص خاص در فضای مجازی، یا تماس‌های مکرر با افراد متعدد در این فضا را شامل شود (Yong & others, 2000: 59). این امر ممکن است عرصه روابط جنسی فرد، روابط عاطفی وی و یا هر دو را درگیر ساخته و به همین نسبت پیوندهای جنسی و عاطفی فرد در خانواده را متأثر سازد. با وجود روشن بودن داعیه‌ای که مطرح شد، پرسش‌های فراوانی پیرامون جزئیات آن قابل پی‌گیری است: این که کدام تعامل مجازی را می‌توان در زمره خیانت زناشویی گنجانند و کدامیک در این مجموعه نمی‌گنجد؟ آیا مصارف فرازناشویی از اینترنت به واقع تأثیراتی مشابه کنش‌های فرازناشویی حقیقی بر فرد و همسر وی به جای می‌گذارند؟ تعاملات فرازناشویی در فضای مجازی چه تأثیراتی بر این نوع رفتار در

دنیای واقعی بر جای گذاشته و چگونه از آن تأثیر می‌پذیرد؟ آیا زنان و مردان به یک شکل رفتارهای فرازناشویی مجازی خود و همسر را تجربه و فهم می‌کنند؟ و نظیر آن. این دست پرسش‌ها از جمله مسائل مرتبطی است که در دو دهه اخیر محققان در جهت پاسخگویی به آن تلاش کرده‌اند و جمع‌بندی نتایج برخی از این تحقیقات شالوده این بخش از تحقیق را پی ریخته است.

ب-۱) روابط جنسی و عاطفی مجازی به مثابه خیانت

ابتدایی‌ترین پرسش در زمینه روابط مجازی و نسبت آن با رابطه همسران این است که آیا روابط صرفاً مجازی فرازناشویی را می‌توان در زمره خیانت به همسر به شمار آورد، و همچنین این که آیا روابط احساسی و جنسی فرازناشویی به یک اندازه در زمره رفتارهای خیانت‌آمیز گنجانده می‌شوند؟ در این زمینه در سال ۲۰۰۶ تحقیقی روی ۴۰۴ دانشجوی ترکیه‌ای که برخی متأهل، برخی درگیر روابط بلند مدت و برخی مجرد بوده‌اند انجام شده است. هفتاد درصد این پاسخگویان معتقد بودند هرگونه رابطه فرازناشویی که به لحاظ جنسی یا عاطفی فرد را درگیر سازد مصداق خیانت به شریک رابطه است. این در حالی است که ۱۴/۷ درصد صرفاً روابط عاطفی مجازی و ۴/۵ درصد صرفاً روابط جنسی مجازی را مصداق خیانت دانسته‌اند (Yeniceri & Kokdemir, 2006 in Antolik & Zander, 2010).

در تحقیق ویتی و همکاران (۲۰۰۳)، که روی ۱۱۷۰ فرد ۱۷ تا ۷۰ ساله انجام داده‌اند نیز برخی رفتارهای مجازی به اندازه رفتارهای حقیقی خیانت‌آمیز دانسته شده‌اند. در این میان پاسخگویان بیش از همه نسبت به رفتارهای تکرار شونده‌ای چون قرارهای مجازی، رد و بدل کردن اطلاعات خصوصی و مواجهات جنسی ابراز نگرانی کرده‌اند، زیرا این‌گونه تصور می‌شود که احتمال بیش‌تری برای سرایت این رفتارها به فضای حقیقی و تهدید رابطه پیشینی وجود دارد (Whitty, 2003). به شکل مشابه، در مقایسه روابط عاطفی و جنسی مجازی، و به منظور سنجش نگرش‌ها نسبت به خیانت اینترنتی، هنلاین و لمک تحقیقی روی ۲۳۷ دانشجو صورت دادند. از نظر پاسخگویان

این پژوهش روابط احساسی اینترنتی به اندازه روابط جنسی خیانت‌آمیز تلقی شده است. در اینجا مناسبات عاطفی اینترنتی حتی تهدید جدی‌تری برای روابط همسران تلقی شده زیرا احتمال منجر شدن آن به مواجهه رودررو بیش از کسانی است که در روابط مجازی به اهداف جنسی نظر دارند (Henline & Lamke, 2003 in Hertleine & Piercy, 2006). اگرچه این تحقیق روی پاسخگویانی که احتمال تجربه رابطه بلند مدت در آن‌ها کم است اجرا شده، اما این محققان در سال ۲۰۰۷ نیز تحقیق مشابهی را روی ۱۲۳ پاسخگو، که در حال سپری کردن روابط متعهدانه‌ای بوده‌اند اجرا کرده و به نتایج مشابه تحقیق پیشین دست یافتند. در این پژوهش اکثر پاسخگویان معتقد بودند خیانت زناشویی هر دو قلمروی روابط جنسی و عاطفی مجازی را شامل می‌شود و رفتارهای متفاوتی چون حضور با اهداف مذکور در اتاق‌های چت، ارسال تصاویر و فیلم‌هایی با منظور تشویق طرف مقابل برای رابطه با خود، و پنهان کردن این دست تعاملات از شریک زندگی در زمره خیانت به رابطه محسوب می‌گردند (Henline, Lamke & Howard, 2007).

ب-۲) اثرات منفی روابط فرازناشویی بر فرد و همسر

مقوله دیگری که در بحث از نسبت روابط مجازی و رابطه با همسر قابل پی‌گیری است تحولات اعضای این گروه کوچک در نتیجه این رفتار تکرارشونده است. تأثیر روابط فرازناشویی اینترنتی بر روابط همسران پیش از هر چیز مولود تغییرات روحی و فکری خود شخص است. در تحقیق اشنايدر روی چهل و پنج مرد و ده زن هجده تا شصت و چهار ساله که خود را به عنوان معتادان به سکس مجازی تشخیص می‌دادند، احساس اندوه، افسردگی، انزوا، تضعیف روابط عاطفی و جنسی با همسر، و آسیب‌های شغلی و مالی از جمله پیامدهای تجربه تکرار شونده روابط جنسی مجازی بوده که تأثیرات مستقیم و غیرمستقیمی بر خانواده و روابط همسران به جای گذاشته است (Schneider: 2000b: 249). گلدبرگ (۲۰۰۴) نیز در تحقیق خود روی ۱۱۴ زن

و ۴۹ مرد احساسات مشابهی را در میان مبتلایان به سکس مجازی تشخیص داده است. احساس شرم، گناه، کاهش اعتماد به نفس، توقعات غیرواقع‌بینانه از روابط جنسی، و سردرگمی درباره تمایلات جنسی خود، از جمله این احساسات هستند (Goldberg, 2004). در زندگی روزمره فرد متأهل درگیر در رابطه اینترنتی تغییراتی چون بی‌تفاوتی به وظایف روزانه خانوادگی، میل به تنهایی، تغییر در عادات خواب، تغییرات شخصیتی، پنهان‌کاری، بی‌میلی نسبت به رابطه جنسی، و بی‌تفاوتی نسبت به فعالیت‌های مشترک خانوادگی، معمول است (Yong & others, 2000: 61-63).

سویه دیگر روابط جنسی مجازی معطوف به همسران افرادی از این دست است. اشنایدر (۲۰۰۰) در تحقیق پیمایشی خود پیرامون شناخت تأثیر روابط مجازی جنسی افراد متأهل بر رابطه با همسران بر ۹۱ زن و سه مرد که همسرانشان درگیر روابط جنسی مجازی بودند متمرکز گشت. در ۶۰ درصد افراد مورد مطالعه وی رابطه جنسی خارج از ازدواج همسر صرفاً در فضای مجازی و نه خارج از آن صورت پذیرفته بود. تحلیل پرسش‌های باز این پژوهش حکایت از آن داشتند که احساساتی چون جراحات، بی‌وفایی، رذش‌دگی، شرم، انزوا، حسادت و خشم از جمله واکنش‌های درونی افراد خیانت دیده است. در میان این افراد ۲۲ درصد عملاً از همسران خود جدا شده و بسیاری دیگر در اندیشه این امر بودند. به لحاظ روانی این افراد خود را با رقبای مجازی خود مقایسه کرده و در اندیشه رقابت با وی بوده‌اند (Schneider: 2000a). انکار رفتارهای غیرعادی همسر، کشف روابط مجازی و مواجه شدن با احساسات منفی حاصل از آن، تلاش برای حل مسأله، بحران و بهبود، امری است که نمونه‌ها در مواجهه با اعتیاد جنسی مجازی همسر تجربه کرده‌اند.

نتایج تحقیقات دیگر نیز از آثار مخرب مشابهی در اندیشه و احساس همسران خیانت دیده حکایت دارند. کاهش اعتماد به نفس، و جست و جوی علل مسأله با واکاوی جاذبه‌های شخصیتی و جسمانی خود معمول‌ترین رفتاری است که این همسران پی می‌گیرند. همسرانی که قربانی خیانت‌های مکرر جنسی همسران خود

هستند عمدتاً به دست بالا گرفتن نقش روابط جسمانی در صمیمیت زناشویی گرایش پیدا کرده و آن را در صدر عوامل مؤثر بر روابط همسران قرار می‌دهند و بدین ترتیب رفتار نابهنجار همسر را نتیجه بی‌کفایتی خود می‌پندارند (Schnider, 2012: 135). بر خلاف پنداشت اولیه، روابط جنسی مجازی همسر، گاه در قیاس با روابط خیانت‌بار عالم واقعی بسیار اضطراب‌زاتر است، زیرا این دست همسران هرگز نمی‌توانند از گستره روابط همسر، و تعداد افراد مشمول این رابطه مطلع شوند. همچنین این امکان وجود دارد که فرد مبتلا به روابط جنسی مجازی در همه حال و در هر لحظه از زندگی روزمره و حتی در زمان حضور همسر برهه‌ای از رفتار خیانت‌آمیز خود را سپری کند. برای همسرانی که اطلاعی نسبی از گرایش‌های همسر خود دارند این امر خالق تشویش و اضطراب بی‌پایانی است که محصول زیستن در فضایی مشحون از ابزارهای ارتباطی است (Schnider, 2012: 133).

ب-۳) جنسیت و روابط فرازناشویی مجازی

در شناخت نسبت روابط مجازی و روابط زناشویی به‌سان بخش پیشین جنسیت به عنوان یک مؤلفه قابل تأمل مورد توجه محققین بوده است. در سنجش نگرش‌ها پیرامون خیانت اینترنتی، احتمال این که مردان با اهداف جنسی به روابط اینترنتی روی آورند بیش از زنان دانسته شده است (Henline, Lamke & Howard, 2007). در قیاس میان دو جنس به نظر می‌رسد زنان بیش‌تر از مردان نسبت به روابط احساسی مجازی همسر، و مردان بیش از زنان به روابط جنسی مجازی همسرانشان آسیب‌پذیر هستند (whitty & Quigley, 2008 & Henline, Lamke & Howard, 2007). از سوی دیگر زنان بیش از مردان در بهره‌گیری‌های جنسی خود از اینترنت به دنبال تحقق این امر در فضایی تعاملی و دوطرفه هستند، و بهره‌گیری یک‌طرفه از محتوای جنسی از سوی مردان با اقبال بیش‌تری روبه‌رو است. در شرایطی که زنان و مردان به میزان مشابهی درگیر روابط متقابل جنسی مجازی گشته‌اند، احتمال منجر شدن این روابط به تعاملات حقیقی در میان زنان بالاتر بوده است (Schneider: 2000b:249). تحقیق پارکر و وامپلر

(۲۰۰۳) روی ۲۴۲ دانشجوی، نشانگر آن است که اگرچه زنان و مردان هر دو استفاده از محتوای جنسی و روابط جنسی مجازی را کم‌اهمیت‌تر از روی آوردن شریک رابطه خود به روابط جنسی حقیقی با شخص دیگر می‌دانند، با این حال زنان بیش از مردان رفتارهایی چون مشاهده سایت‌های جنسی، برقراری گفت‌وگوی جنسی در چت‌روم‌ها، و برقراری روابط جنسی مجازی را به مثابه رابطه‌ای حقیقی پنداشته و آن را مخمل روابط خود در دنیای واقعی می‌دانند (Parker & Wampler, K. S., 2003). این امر، یعنی آسیب بیش‌تر زنان نسبت به رفتارهای فرازنشویی همسر در محیط مجازی، در تحقیقات دیگری نیز مورد تأیید قرار گرفته است (Dijkstra & others, 2013).

آنچه در این جا ارائه شد، تلاشی برای مرور جنبه‌های مختلف روابط فرازنشویی اینترنتی و تأثیر آن بر رابطه همسران بود. به طور حتم این جنبه‌ها با استناد به تحقیقات دیگری که در آینده صورت خواهند گرفت قابل تکمیل و بررسی جامع‌تر است.

جمع‌بندی

آنچه در این مقاله بدان پرداخته شد، تأثیرات اینترنت بر روابط همسران با تأکید بر دو ویژگی روابط متقابل در زندگی روزمره و حفظ مرزها در این گروه کوچک بر مبنای تحقیقات پیشین بود. با حضور همه جانبه و با پیشرفت دمامد این تکنولوژی نوین، ایجاد تغییراتی در شیوه زیست و در اندیشه کاربران امری محتمل به نظر رسیده و در نتیجه فصل نویی در باب اندیشه و تفحص پیرامون آن برای اندیشه‌ورزان عرصه زیست انسانی گشوده شده است. مروری بر تحقیقات موجود گواه وجود انواع تحقیقات مرتبط با این عرصه است که بخش کوچکی از آن بر هویت گروهی خانواده (یعنی آنچه آن را به عنوان نظام و نه جمع افراد منفرد مطالعه نموده است) متمرکز گشته‌اند. اگرچه داده‌های مورد استفاده این تحقیق تمام مقالات و تحقیقات انجام شده را شامل نمی‌شود، اما سعی شده تا شناخته شده‌ترین تحقیقات برای شناسایی ابعاد مختلف این رابطه مورد اشاره قرار بگیرند. مرور، مقایسه و طبقه‌بندی این تحقیقات، به شناسایی دو

عرصه مهم تحقیقاتی منجر گشتند: تأثیر حضور ابزار اینترنت در زندگی روزمره بر روابط متقابل همسران، و تأثیر این ابزار بر مرزهای زناشویی.

جمع‌بندی تأثیرات اینترنت بر روابط همسران امری ساده و تک وجهی نیست. در واقع، مرور تحقیقات پیشین برای پاسخ به پرسش اصلی این پژوهش ما را به سمت درک پیچیدگی‌های این موضوع و پرهیز از کلی‌گویی پیرامون آن هدایت می‌کند. پرسش‌هایی پیرامون کی، کجا، چرا، چه مدتی، چه چیزی، در چه سنی، به همراه چه کسی، در رابطه چه کسی و نظایر آن پیرامون مصرف اینترنتی، تعیین کننده اثرات مختلف این رفتار فراگیر بر فرد، همسر و بر کلیت این گروه اجتماعی است. با این حال در این بخش پایانی تحقیق می‌توان ادعا کرد که بر مبنای تحقیقات مرور شده دلگرانی‌های متفکرین پیرامون تغییرات تنظیم زندگی روزمره و روابط متقابل همسران، و تزلزل مرزهای این خرده نظام، رنگی از حقیقت به خود دارد. این ابزار رو به رشد با سهمی که از زندگی روزانه کاربران فعال به خود اختصاص داده و با درهایی که به سوی افراد، و موارد غیر قابل دسترس گذشته، گشوده، تحولات بسیاری را در ساحت ذهنی و تجربه عینی کاربران خویش ایجاد کرده است. با این تغییرات، بسیاری از آنچه که به عنوان معیارهای سلامت این خرده نظام پذیرفته شده، در معرض دگرگونی قرار گرفته است. در کنار فرصت‌هایی که مصرف اینترنت برای آگاهی بخشی و گسترش تعامل در میان اعضای این گروه کوچک فراهم نموده، گستره بی‌کرانی پیش روی مخاطبان گشوده که از جنبه‌های گوناگون، مفهوم سنتی همسری را به چالش می‌کشند. بسیاری از همسران در مواجهه با این مهمان ناخوانده، درگیر چالش‌های درونی و گاه مشکلاتی عینی شده‌اند که گاه تا حد فروپاشی نظام کوچک همسری پیش رفته است.

پس از مطالعه نتایج پژوهش‌های پیشین و درک پیچیدگی‌های این موضوع، چندین اقدام و فعالیت مکمل ضروری به نظر می‌رسد. از نظر نگارندگان این اثر، یکی از اولین دستاوردهای پژوهش حاضر نشان دادن زمینه‌های تحقیقاتی گسترده‌ای است

که در ذیل موضوع این پژوهش قابل انجام و پی‌گیری است، امری که فقدان آن در جست‌وجوهای اولیه محقق برای دستیابی به آثار معتبر فارسی زبان در این قلمرو به شدت مشهود بوده است. این نوع مطالعات با توجه به فراوانی و گستره رو به رشد مصرف اینترنت از سوی عموم اعضای جامعه، یک ضرورت اساسی به نظر می‌رسد. با اقدام به تحقیقات مشابه و پرداختن به ابعاد پیچیده این موضوع است که می‌توان خلأهای دانش جامعه ما در این زمینه را شناسایی کرده و این قلمروی معرفتی را گسترش داد. نکته دیگر آن‌که به نظر می‌رسد که در کنار تحقیقاتی از این دست که صرفاً شناخت وضعیت فعلی در زمینه اثرات مصرف اینترنت را هدف خود قرار داده‌اند، لازم است اقدامات کاربردی‌تری برای بسط دستاوردهای علمی به عرصه زندگی روزمره، و برای توسعه اثرات مثبت این نوع مصرف و تحدید پیامدهای منفی آن صورت پذیرد.

منابع

- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۷)، *جامعه‌شناسی*. ترجمه: منوچهر صبوری. تهران: نی.
- مک‌کوایل، دنیس (۱۳۸۵)، *درآمدی بر نظریه ارتباطات جمعی*. ترجمه: پرویز اجلالی. تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- مک‌گرا، فیلیپ. (۱۳۸۸)، *روان‌شناسی خانواده موفق*. ترجمه: محمد مهدی شریعت باقری. تهران: دانژه.
- هال، استوارت. (۱۳۸۲)، *رمزگذاری، رمزگشایی*. ترجمه: نیما ملک‌محمدی. (در مجموعه مقالات مطالعات فرهنگی). تهران: تلخون.

- Antolik, Brittany & Zander, Alyssa (2010). *College Students' Definitions of Infidelity*. In www.minds.wisconsin.edu

- Bergner RM, Bridges AJ. (2002). The significance of heavy pornography involvement for romantic partners: research and clinical implications. *Journal of Sex & Marital Therapy*. Volume 28, Issue 3
- Boneva, Bonka , Kraut, Robert , Frohlich, David (2001). *Using email for personal relationships: The difference gender makes*. American Behavioral Scientist. Vol. 45, No. 3. pp. 530-549
- Bridges, Ana. & Morokoff, Patricia J. (2011). *Sexual media use and relational satisfaction in heterosexual couples*. Personal Relationships. Volume 18, Issue 4, pages 562–585
- Campbell, Emily C. (2015). *Technology, Communication, and Couples' Intimacy: A Study of Technology Use Behavior and Intimate Relationships*
- Cooper, A., Galbreath, N., & Becker, M. A. (2004). *Sex on the internet: Furthering our understanding of men with online sexual problems*. Psychology of Addictive Behaviors, 18, 223–230.
- Cooper, A. (1998). *Sexuality and the Internet: Surfing into the new millennium*. CyberPsychology and Behavior, 1, 181-187.
- Coyne, S. M., Busby, D., Bushman, B. J., Gentile, D. a., Ridge, R., & Stockdale, L. (2012). *Gaming in the game of love: Effects of video games on conflict in Couples*. Family Relations, 61, 388–396.
- Coyne, S. M., Stockdale, L., Busby, D., Iverson, B., & Grant, D. M. (2011). "I luv u!": *A Descriptive Study of the Media Use of Individuals in Romantic Relationships*. Family Relations, 60, 150–162
- Daneback, Kristian, Cooper, Al, Mansson, Sven-Axel (2005). *An Internet Study of Cybersex Participants*. Archives of Sexual Behavior, Vol. 34, No. 3, pp. 321–328

- Daneback, K., Træen, B., & Mansson, S. (2009). *Use of pornography in a random sample of Norwegian heterosexual couples*. Archives of Sexual Behavior, 38, 746–753.
- Dijkstra. Pieterneel, Barelds. Dick P. H. and Groothof. (2013). Jealousy in response to online and offline infidelity: the role of sex and sexual orientation. *Skandinavian journal of sociology*. 54. Pages 328-336
- Dijkstra. Pieterneel, Barelds. Dick P. H. and Groothof. Hinke A. K. (2010). *An inventory and update of jealousy-evoking partner behaviors in modern society*. *Clinical Psychology & Psychotherapy*. Volume 17, Issue 4. Pages 269–353.
- Goldberg, peter (2004). *An exploratory study about the impacts that cubersex is having on families and the practices of marriages and family trapists*. In www. theses.lib.vt.edu
- Henline, B., Lamke, L., & Howard, M. (2007). *Exploring perceptions of online infidelity*. Personal Relationships, 14 (7), 113- 128.
- Hertleine, Katherine M. & Ancheta, Katrina (2014). *Advantages and disadvantages of technology in relationship*. The qualitative report, volume 19. Article 22
- Hertleine, Katherine M., Piercy, Fred P. (2006). Internet Infidelity: A Critical Review of the Literature. *The Family Journal*; 14
- Hughes, Jr., R. & Hans, J. D. (2004). *Effects of the Internet on families*. In M. Coleman & L. Ganong (Eds.), Handbook of contemporary families (pp. 506-520). Thousand Oaks, CA: Sage.
- Jennings, Nancy, Ellen, Wartella (2004). *Technology and the family*. In *Anita L. Vangelisti (Ed)*. Handbook of family communication. London: LEA
- Kerkhof, Peter, Finkenauer, Catrin and Muusses, Linda D. (2005). *Relational consequences of compulsive internet Use: A longitudinal*

study among newlyweds. Human Communication Research. Volume 37, Issue 2, pages 147–173

- Kimberly J. Mitchell, Kathryn A. Becker-Blease, and David Finkelhor (2005). *Inventory of Problematic Internet Experiences Encountered in Clinical Practice*. Professional Psychology: Research and Practice. Vol. 36, No. 5, 498–509
- Kraut, Robert, Patterson, Michael, Lundmark, Vicki, Kiesler, Sara, Mukophadhyay, Tridas, Scherlis, William (1998). *Internet paradox: A social technology that reduces social involvement and psychological well-being?* American psychologists. 53. 1017-1031
- Kraut, (2002). Internet paradox revisited. *Journal of Social Issues*. Volume 58, Issue 1, pages 49–74
- Lull, James (1980). *Family communication patterns and the social uses of television*. Communication research. No 7
- Manning, Jill C. (2006). *The Impact of Internet Pornography on Marriage and the Family: A Review of the Research*. Sexual Addiction & Compulsivity, 13:131–165
- Morrison, Matgaret & Krugan, Dean M. (2001). A look at mass computer mediated technologies. *Journal of broadcasting and electronic media*. Winter 2001
- Neustaedter, C., & Pang, C. & Forghani, A. & Odour, E (2015). *Sharing Domestic Life through Long-Term Video Connections*, ACM Transactions on Computer-Human Interactions, Vol. 22, No. 1
- Neustaedter, C., & Greenberg, S. (2012). *Intimacy in long-distance relationships over video chat*. t. In Proceed-ings of CHI.ACM, New York, NY.

- Nie, Norman H. Sunshine Hillgus, D. Erbring, Lutz (2002). *Internet use, interpersonal relations and sociability: a time diary study*. In Barry Wellman, Caroline Heythornthwaite (Eds.), *the internet in everyday life*. Axford: Blackwell
- Parker, T. S., & Wampler, K. S. (2003). How bad is it? Perceptions of the relationship impact of different types of Internet sexual activity. *Contemporary Family Therapy: An International Journal*, 25, 415–429.
 - Papp, L. M., Danielewicz, J., & Cayemberg, C. (2012). “*Are we Facebook official?*” *Implications of dating partners’ Facebook use and profiles for intimate relationship satisfaction*. *Cyberpsychology, Behavior and Social Networking*, 15, 85–90. doi:10.1089/cyber.2011.0291
 - Poulsen, Franklin O. & Busby, Dean M. (2013). Pornography Use: Who Uses It and How It Is Associated with Couple Outcomes. *Journal of sex research*, 50(1), 72–83
 - Robinson, B. E., Manthei, R., Scheltema, K., Rich, R. & Koznar, J. (1999). Therapeutic uses of sexually explicit materials in the United States and the Czech and Slovak Republics: A qualitative study. *Journal of Sex and Marital Therapy*, 25, 103–119.
 - Schneider, Jennifer P. (2000a). *Effects of cybersex addiction on the family*. *Sexual addiction and compulsivity*. 7: 31-58
 - Schneider, Jennifer P. (2000b). *A Qualitative study of Cybersex Participants: Gender Differences, Recovery Issues, and Implications for Therapists*. *Sexual addiction and compulsivity*. 7:249-278
 - Schneider, Jennifer P. (2012). *Is it really cheating? Sexual addiction and compulsivity*. 19: 123-139
 - Stack, S., Wasserman, I., & Kern, R. (2004). *Adult social bonds and use of Internet pornography*. *Social Science Quarterly*, 85, 75–88.

- Szymanski, David M., Stewart-Richardson, Destin N. (2014). Psychological, Relational, and Sexual Correlates of Pornography Use on Young Adult Heterosexual Men in Romantic Relationships. *The journal of the men's studies*, VOL. 22, NO. 1, Winter 2014, 64-82
- Whitty, Monica, Theresse. (2003). *Pushing the wrong buttons. Men's and women's attitudes toward the online and offline infidelity*. Cyber psychology and behavior. Volume6, number6
- Whitty, M.T. & Quigley, L. (2008). Emotional and sexual infidelity offline and in cyberspace. *Journal of Marital and Family Therapy*, 34(4), 461-468
- Yong, Kimberly S. Cooper, Alvin, Griffiths-Shelley, Eric, O'Mara, James and Buchanan, Jennifer (2000). *Cybersex and infidelity online: Implications for evaluation and treatment*. Sexual Addiction and Compulsivity, 7(10), 59-74
- Whitchurch, Gail. G. & Constantine, Larry. I. (2009). *System theory. In Pauline boss & others (Eds)*. sourcebook of family theories and methods. Springer
- Willams, Amanda L., Merton, Michael J. (2011). Ifamily: family and social media technology in the family context. *Family and consumer science research journal*. Vol. 40. No.2. 150-170.